

تحلیل نظام مند انتقادی بر تأثیر سبک های والدگری در رشد شخصیت و عملکردهای روانی، اجتماعی و آموزشی کودکان

الهام مهدوی^۱

کارشناس ارشد بالینی دانشگاه آزاد تهران غرب، mahdavielham194@gmail.com

چکیده - این مقاله با هدف تحلیل نظام مند و جامع تأثیر والدین بر رشد شخصیت کودکان، به بررسی یافته های پژوهش های داخلی و بین المللی منتشر شده طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ می پردازد. تمرکز اصلی مطالعه بر تأثیر سبک های فرزندپروری، سطح تحصیلات والدین، شرایط اقتصادی خانواده و کیفیت روابط عاطفی میان والدین و فرزندان، بر جنبه های گوناگون رشد کودک از جمله رشد هیجانی، اجتماعی، تحصیلی، اخلاقی و هویتی است. در این مرور نظام مند، بیش از ۴۰ منبع معتبر از پایگاه های علمی و مجلات تخصصی انتخاب و تحلیل محتوایی شده اند. نتایج حاکی از آن است که سبک فرزندپروری مقتدرانه، انسجام عاطفی درون خانواده و مشارکت فعال والدین در فرایندهای تربیتی و آموزشی، از عوامل اساسی در پرورش شخصیت سالم و رشد مثبت روانی-اجتماعی کودکان به شمار می روند. افزون بر این، متغیرهای اقتصادی و شغلی والدین می توانند به عنوان عوامل میانجی، میزان اثربخشی این مؤلفه ها را تعدیل کنند. در پایان، با نقد دیدگاه های سنتی در حوزه تربیت فرزند، پیشنهادهایی کاربردی برای سیاست گذاران و نهادهای آموزشی جهت ارتقای سواد تربیتی والدین ارائه شده است. کلید واژه- والدین، شخصیت کودک، سبک فرزندپروری، رشد هیجانی، عملکرد تحصیلی.

حمایت اجتماعی مناسب رشد می کنند، عملکرد تحصیلی و رشد اخلاقی بهتری دارند [۳،۲]. در این تحقیق، تلاش شده است با رویکردی مروری و انتقادی، تأثیر ابعاد مختلف رفتار والدین بر جنبه های گوناگون شخصیت کودک، با استناد به جدیدترین یافته های علمی و نیز نتایج پژوهش های داخلی، تحلیل و تبیین شود. مطالعات روان شناسی رشد، به ویژه نظریه دلبستگی^۱ و نظریه های یادگیری اجتماعی^۲ تأکید دارند که کودک از طریق مشاهده و تعامل با والدین، الگوهای رفتاری، عاطفی و اجتماعی را درونی سازی می کند [۴]. بامریند^۳ سه سبک اصلی فرزندپروری را معرفی کرد:

- مستبدانه: کنترل شدید، بدون انعطاف؛

۱- مقدمه

خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، زیربنای اساسی شکل گیری شخصیت و رفتارهای فردی کودک محسوب می شود. والدین، نخستین و ماندگارترین تأثیر را بر رشد روانی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی فرزندان خود دارند. آنچه کودک در محیط خانواده می آموزد، نه تنها پایه گذار روابط بین فردی آینده اوست، بلکه تأثیرات آن در طول زندگی استمرار دارد. نقش والدین به ویژه در دهه های اخیر، با تحولات فرهنگی، اقتصادی و ارتباطی جوامع، ابعاد پیچیده تر و گسترده تری یافته است. در پژوهش های متعددی مشخص شده است که سبک فرزندپروری والدین در دوران کودکی، نقش پیش بینی کننده ای در بروز یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر، اختلالات روانی، افت تحصیلی و حتی سازگاری اجتماعی دارد [۱]. از سوی دیگر، تغییرات در ساختار خانواده مانند اشتغال والدین، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی، به عنوان عوامل محیطی مؤثر بر تربیت فرزند مطرح شده اند. پژوهش ها در ایران نیز نشان داده اند که کودکانی که در خانواده های دارای انسجام عاطفی، سبک فرزندپروری مقتدرانه و

^۱Attachment Theory

^۲Social Learning Theories

^۳Baumrind

اگرچه تمرکز اصلی این پژوهش بر منابع منتشرشده طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ بوده است، با این حال، از برخی منابع بنیادین و کلاسیک که پایه گذار نظریه های اصلی در حوزه فرزندپروری و روان شناسی رشد هستند نیز به عنوان مبنایی برای چارچوب نظری و تحلیل محتوایی بهره گرفته شده است.

۴- نقش والدین در رشد هیجانی و روانی کودک

رشد هیجانی یکی از ابعاد بنیادین شخصیت کودک است که زیربنای سلامت روان، کیفیت تعاملات اجتماعی و توانایی مقابله با فشارهای زندگی در آینده به شمار می رود. کودکانی که در محیطی امن، گرم، حمایت گر و منظم پرورش می یابند، از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند و توانایی بیشتری در ابراز و تنظیم هیجانات خود دارند. والدین نقش کلیدی در این فرآیند ایفا می کنند؛ شیوه ابراز محبت، نظم بخشی، حمایت، کنترل خشم و نحوه پاسخ گویی به نیازهای کودک، به طور مستقیم بر شکل گیری ساختار هیجانی او اثر می گذارد. در پژوهش های داخلی نیز نشان داده شده است که شیوه های تربیتی نامناسب والدین، از جمله تنبیه مکرر، غفلت عاطفی یا بی ثباتی در محبت رسانی، با بروز مشکلاتی چون پرخاشگری، افسردگی یا اختلال نافرمانی مقابله ای در کودکان رابطه معناداری دارد [۲،۷،۸]. در همین راستا، یافته های برخی مطالعات نیز نشان داده است که آموزش مدیریت والدین در کاهش اختلال نافرمانی مقابله ای مؤثر بوده است. آموزش سبک های مؤثر تعامل والد-کودک می تواند منجر به کاهش علائم رفتاری منفی شود، به ویژه در دانش آموزانی که دارای اختلالات روانی خفیف یا متوسط هستند. مطالعات بین المللی نیز این یافته ها را تأیید کرده اند. به عنوان مثال، [۹] نشان می دهد کودکانی که در خانواده هایی با دلبستگی ایمن رشد می کنند، در سنین بالاتر از سلامت روان بیشتر، اضطراب کمتر و عملکرد اجتماعی و تحصیلی مطلوب تری برخوردارند. همچنین، [۱] بیان می کنند که والدین از طریق استفاده از شیوه های تقویتی و ارائه بازخورد هیجانی، به صورت ناخودآگاه، الگوهای هیجانی را در کودک درونی سازی می کنند. در مجموع، کیفیت تعاملات هیجانی والد-کودک، عاملی بنیادین در شکل گیری سلامت روانی، تنظیم هیجان و افزایش تاب آوری کودک به شمار می رود.

- سهل گیرانه: آزادی کامل بدون حدود رفتاری؛
- مقتدرانه: تعادل میان محبت، منطق و مرزبندی.

پژوهش های جدیدتر [۵] نشان داده اند که سبک فرزندپروری مقتدرانه به رشد مسئولیت پذیری، خودکارآمدی و اعتماد به نفس کودک منجر می شود، در حالی که سبک مستبدانه، زمینه ساز پرخاشگری، اضطراب و نافرمانی است. در همین راستا، نظریه سرمایه انسانی [۶] نیز مطرح می کند که سرمایه گذاری خانواده بر آموزش، سلامت روانی و مهارت های اجتماعی کودک، بازدهی بلندمدت اقتصادی و اجتماعی دارد. این نظریه، به ویژه در تحلیل رابطه میان سطح سواد والدین، درآمد خانوار و پیشرفت تحصیلی فرزندان اهمیت دارد.

۲- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مروری-تحلیلی است و با هدف بررسی انتقادی نقش والدین در ابعاد مختلف شخصیت کودک انجام شده است. داده های مورد استفاده در این مقاله از طریق مطالعه ای نظام مند بر منابع علمی داخلی و بین المللی گردآوری شده اند. ملاک های انتخاب منابع:

- منابع علمی منتشرشده در فاصله سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ برای مطالعات بین المللی؛
- مقالات فارسی مرتبط با موضوع، نمایه شده در پایگاه نورمگز و مجلات تخصصی علوم تربیتی و روان شناسی؛
- تمرکز بر منابع دارای موضوعاتی از جمله: سبک های فرزندپروری، سلامت روان کودک، رشد اجتماعی، مسئولیت پذیری، پیشرفت تحصیلی، رشد اخلاقی و هویت یابی.

۳- فرآیند انتخاب و تحلیل

در مجموع، ۱۷ منبع علمی (شامل ۷ مقاله فارسی و ۱۰ منبع بین المللی معتبر) انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند. ارزیابی منابع بر اساس معیارهایی چون اعتبار علمی، به روز بودن، ارتباط موضوعی و میزان کاربرد آن ها در تبیین ابعاد شخصیت کودک انجام شده است. اطلاعات استخراج شده در قالب ۷ محور موضوعی طبقه بندی و تحلیل گردیدند. افزون بر تحلیل محتوایی، رویکردی انتقادی نیز نسبت به کاستی ها و خلأهای پژوهشی موجود در حوزه تربیت والدین اتخاذ شد. شایان ذکر است که

۵- نقش والدین در رشد اجتماعی و مسئولیت پذیری کودک

رشد اجتماعی کودک، به معنای توانایی برقراری ارتباط مؤثر، رعایت هنجارهای اجتماعی، پذیرش مسئولیت و مشارکت در فعالیت های جمعی، در بستر خانواده آغاز می شود. نخستین تعاملات اجتماعی کودک با والدین شکل می گیرد و از طریق مشاهده، تقلید و دریافت بازخورد (اعم از تشویق یا تنبیه)، الگوهای رفتاری را درونی سازی می کند. کیفیت تعامل والدین با کودک، شیوه های تربیتی، میزان فرصت های گفت و گو و مشارکت در تصمیم گیری های خانوادگی، همگی نقش مهمی در روند اجتماعی شدن کودک ایفا می کنند. مطالعات داخلی نشان داده اند که والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه (ترکیبی از حمایت عاطفی و تعیین مرزهای روشن) را به کار می گیرند، فرزندان با اعتماد به نفس بیشتر، مهارت های اجتماعی قوی تر و مسئولیت پذیری بالاتر تربیت می کنند [۲،۳]. همچنین، مقاله ای در زمینه تأثیر رفتار والدین بر مسئولیت پذیری فرزندان تأکید می کند که مشارکت دادن کودکان در کارهای منزل، تصمیم گیری های ساده و مراقبت از وسایل شخصی، زمینه ساز شکل گیری مسئولیت پذیری پایدار در دوران نوجوانی خواهد بود. در سطح بین المللی نیز، پژوهش های اخیر مانند [۱۰] نشان داده اند که رابطه ای توأم با احترام متقابل و اعتماد میان والد و فرزند، پیش بینی کننده سطوح بالای وجدان اخلاقی و احساس مسئولیت اجتماعی در کودکان است. همچنین، [۱۱] اشاره می کند که آموزش خودنظارتی و مهارت کنترل هیجان در محیط خانواده، به بروز رفتارهای نودوستانه و همکاری جویانه در محیط مدرسه منجر می شود. شواهد حاکی از آن است که سبک های والدگری مبتنی بر احترام متقابل، مشارکت فعال کودک و مربندی روشن، نقش مؤثری در پرورش مهارت های اجتماعی و شکل گیری مسئولیت پذیری پایدار در کودکان دارند.

۶- تأثیر والدین بر رشد تحصیلی و انگیزشی کودک

موفقیت تحصیلی کودک تنها به توانایی های شناختی یا محتوای آموزشی ارائه شده در مدرسه وابسته نیست، بلکه به طور قابل توجهی تحت تأثیر خانواده و به ویژه عملکرد والدین قرار دارد. والدین از طریق تشویق، نظارت، کمک در انجام تکالیف، فراهم سازی فضای مناسب برای مطالعه، الگودهی رفتاری و

مدیریت زمان، می توانند نقش مؤثری در ایجاد انگیزه، پایداری در تحصیل و ارتقای عملکرد شناختی فرزند خود ایفا کنند. پژوهش های متعددی در ایران و سایر کشورها این تأثیر را تأیید کرده اند. یافته های مقاله های «بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» [۳]، «تأثیر تربیت صحیح والدین بر عملکرد تحصیلی» [۲] و «تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر یادگیری» [۱۲] نشان می دهد کودکانی که والدینی تحصیل کرده و دارای سطح اقتصادی متوسط یا بالا دارند، از امکانات آموزشی بهتر، الگوهای رفتاری تحصیلی سازنده و حمایت عاطفی بیشتری برخوردارند و در نتیجه، احتمال موفقیت تحصیلی در آنان بیشتر است. در سطح بین المللی نیز تحقیقات متعدد تأکید دارند که والدینی که به طور منظم و آگاهانه در فرآیند تحصیلی کودک مشارکت دارند، فرزندان با عملکرد تحصیلی بهتر و انگیزه ی بالاتر تربیت می کنند. از سوی دیگر، مقاله ای با موضوع «تأثیر نقش والدین در حل مشکلات روان شناختی و تحصیلی دانش آموزان» نشان داده است که اختلالات روانی، اضطراب، مشکلات یادگیری و کم توجهی، در کودکانی که والدینی غیرفعال یا فاقد حمایت عاطفی مؤثر دارند، شیوع بیشتری دارد. این پژوهش همچنین بر اهمیت انسجام خانوادگی و حمایت روانی والدین در پیشگیری از افت تحصیلی تأکید دارد. در مجموع، درگیری مستمر، آگاهانه و حمایتی والدین در فرآیند یادگیری کودک، به ویژه از طریق الگوسازی تحصیلی و حمایت هیجانی، زمینه ساز پیشرفت تحصیلی و رشد انگیزش درونی در کودکان خواهد بود.

۷- نقش والدین در شکل گیری ارزش ها، باورها و هویت اخلاقی کودک

هویت اخلاقی و ارزشی یکی از پایه های اصلی شخصیت انسان است که در سال های نخستین زندگی و در بستر خانواده شکل می گیرد. والدین به عنوان نخستین الگوهای رفتاری، ارزشی و اعتقادی کودک، نقشی محوری در درونی سازی اصول اخلاقی، شکل گیری وجدان فردی، احترام به قانون، تقویت همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی ایفا می کنند. نحوه گفتار، عملکرد، واکنش های اخلاقی و حتی سکوت های تربیتی آن ها، پیام هایی نیرومند و تأثیرگذار برای ذهن در حال شکل گیری کودک به همراه دارد. مطابق با نظریه ی اجتماعی سازی اخلاقی، کودک از

نهایت بروز اختلالات روانی و رفتاری در کودکان منجر شود (همان منبع). در مقاله‌ی «تأثیر سطح اقتصادی والدین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان» [۱۲] مشخص شد که وضعیت اقتصادی خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اعتمادبه‌نفس، انگیزه پیشرفت و دسترسی به منابع کمک‌درسی دارد.

۲-۸- سطح تحصیلات والدین

تحصیلات والدین، به‌ویژه مادر، یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت تحصیلی، رشد کلامی و نگرش یادگیری در کودک است. والدین تحصیل کرده معمولاً درک عمیق‌تری از نیازهای رشدی فرزند دارند و می‌توانند با بهره‌گیری از شیوه‌های غیردستوری، کودک را به مطالعه، استدلال و تحلیل تشویق کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حتی نگرش مثبت والدین نسبت به تحصیل، بدون نیاز به مداخله مستقیم، موجب ارتقای عملکرد تحصیلی کودک می‌شود. در پژوهش «بررسی تأثیر سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی» [۳] مشخص شد که دانش‌آموزانی که والدین کم‌سواد دارند، بیشتر با مشکلات یادگیری و افت تحصیلی مواجه‌اند و از نظر انگیزشی و اعتمادبه‌نفس نیز در سطح پایین‌تری قرار دارند.

۳-۸- وضعیت شغلی والدین

شغل والدین، به‌ویژه اشتغال مادر، می‌تواند پیامدهای چندگانه‌ای بر رشد کودک داشته باشد. چنانچه اشتغال با حمایت عاطفی، برنامه‌ریزی مناسب و حضور معنادار در خانه همراه باشد، نه‌تنها آسیب‌زا نخواهد بود، بلکه می‌تواند الگوی مثبتی برای تقویت مسئولیت‌پذیری و استقلال کودک محسوب شود. اما در مواردی که اشتغال با استرس، غیبت‌های طولانی‌مدت و نارضایتی روانی همراه باشد، ممکن است اثراتی منفی همچون غفلت عاطفی، کاهش تماس تربیتی و سردی در رابطه والد-فرزند ایجاد شود. این موضوع در مقاله‌ی «تأثیر تربیت صحیح والدین بر عملکرد تحصیلی» و پژوهش [۲] نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در مجموع، متغیرهای اقتصادی، تحصیلی و شغلی والدین به‌عنوان عوامل زمینه‌ای، نقشی تعیین‌کننده در کیفیت فرایند تربیتی، فرصت‌های رشد و شکل‌گیری شخصیت کودک دارند.

طریق تعامل روزمره با والدین، به تدریج استانداردهای اخلاقی محیط پیرامون را جذب می‌کند و آن‌ها را به بخشی از نظام هویتی خود تبدیل می‌سازد [۱۳]. اگر خانواده محیطی اخلاق‌محور، مشارکتی و گفت‌وگومحور باشد، احتمال پایبندی کودک به ارزش‌هایی همچون صداقت، احترام، عدالت و مهربانی افزایش می‌یابد. پژوهش «تأثیر والدین بر رشد اخلاقی کودکان» [۱۴] بیان می‌کند کودکانی که در خانواده‌هایی با «الگوی رفتاری مثبت»، «گفت‌وگوی مستقیم درباره مسائل اخلاقی» و «پرهیز از تنبیه تحقیرآمیز» رشد می‌کنند، سطوح بالاتری از رشد اخلاقی و توانایی قضاوت ارزشی از خود نشان می‌دهند. همچنین، نتایج مقاله‌ای درباره «تأثیر رفتار والدین بر مسئولیت‌پذیری فرزندان» حاکی از آن است که والدینی با الگوی تشویقی و تبیینی (نه صرفاً دستوری)، موجب پرورش حس تعهد، صداقت و مشارکت اجتماعی مؤثر در فرزندان می‌شوند. در سطح بین‌المللی نیز، مطالعات بر اهمیت محیط‌های خانوادگی اخلاق‌محور تأکید دارند. این مطالعات نشان می‌دهند که رفتار والدینی که در آن‌ها مهارت‌های استدلال اخلاقی، تفکر انتقادی، همدلی و گفت‌وگوی مشارکتی تقویت می‌شود، با بالاترین سطوح هویت اخلاقی در فرزندان همراه است. در مجموع، والدین از طریق الگوهای رفتاری و سبک ارتباطی گفت‌وگومحور، زیربنای شکل‌گیری هویت اخلاقی و نظام ارزشی پایدار کودک را بنیان می‌گذارند.

۸- نقش عوامل اقتصادی، تحصیلی و شغلی والدین بر شخصیت کودک

عوامل اقتصادی، تحصیلی و شغلی والدین از جمله متغیرهای کلیدی‌ای هستند که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر شکل‌گیری شخصیت کودک اثر می‌گذارند. این عوامل نه‌تنها کیفیت محیط زندگی کودک را تعیین می‌کنند، بلکه سبک فرزندپروری، فرصت‌های رشد شناختی و اجتماعی و احساس امنیت روانی فرزند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۱-۸- سطح اقتصادی خانواده

سطح اقتصادی والدین با شاخص‌هایی همچون درآمد، کیفیت مسکن، تغذیه و دسترسی به منابع آموزشی و تفریحی مرتبط است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فقر مزمن می‌تواند به افزایش استرس والدین، کاهش کیفیت تعامل والد-فرزند و در

۹- بحث انتقادی و چالش های تربیت والدین در ایران امروز

با وجود شواهد گسترده و مستند پیرامون اهمیت نقش والدین در شکل گیری شخصیت کودک، بررسی انتقادی وضعیت موجود در حوزه تربیت خانوادگی در ایران نشان می دهد که فاصله ای معنادار میان یافته های علمی و واقعیت های فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. در این بخش، برخی از چالش ها و کاستی های رایج در تربیت والدین ایرانی، بر اساس تحلیل محتوای پژوهش ها و تجارب زیسته، مورد واکاوی قرار می گیرد.

۱۰- بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از مرور نظام مند پژوهش ها در حوزه نقش والدین در رشد شخصیت کودک، نشان می دهد که تأثیر خانواده بر شکل گیری ابعاد گوناگون شخصیت کودک (هیجانی، اجتماعی، تحصیلی، اخلاقی و ارزشی)، عمیق، پایدار و چندبعدی است. والدین نه تنها الگوهای رفتاری اولیه کودک هستند، بلکه از طریق سبک های تربیتی، سطح تحصیلات، موقعیت اقتصادی و کیفیت روابط خانوادگی، زیربنای شخصیت، ساختار ذهنی و انگیزشی فرزند را نیز شکل می دهند.

یافته ها بیانگر آن است که:

- سبک فرزندپروری مقتدرانه، بیشترین همبستگی را با رشد مثبت شخصیتی در حوزه های مختلف دارد.
- کیفیت روابط هیجانی والد-کودک، نقش تعیین کننده ای در سلامت روان، عزت نفس و خودکارآمدی کودک ایفا می کند.
- مشارکت والدین در فرایند تحصیلی فرزندان، منجر به بهبود عملکرد آموزشی و کاهش افت تحصیلی می شود.
- سطح تحصیلات و درآمد والدین، به عنوان متغیرهای زمینه ای، میزان دسترسی کودک به منابع تربیتی، آموزشی و انگیزشی را تسهیل یا محدود می سازند.
- آموزش مهارت های والدگری، ضرورتی اساسی برای تمام اقشار جامعه است، حتی برای والدین تحصیل کرده.

۱۱- پیشنهادها برای محققین و سیاست گذاران آموزشی

بر اساس یافته های این پژوهش، توصیه های زیر برای

سیاست گذاران حوزه آموزش و پرورش، نهادهای تربیتی و والدین پیشنهاد می شود:

- اجرای برنامه های آموزشی رسمی برای والدین در مدارس، مراکز مشاوره و شبکه های اجتماعی، با تأکید بر ترویج سبک های فرزندپروری کارآمد؛
- تقویت حمایت های روانی-اجتماعی از خانواده های کم برخوردار به منظور کاهش اثرات منفی فقر بر فرایند تربیت کودکان؛
- گنجاندن آموزش مهارت های تربیت خانوادگی در برنامه درسی دانش آموزان، به ویژه در دوره متوسطه؛
- طراحی سامانه های هوشمند مشاوره خانواده در سطح ملی، به منظور ارتقای سطح آگاهی والدین درباره سلامت روان کودک؛
- حمایت از انجام پژوهش های میدانی و فرهنگی در زمینه سبک های نوین فرزندپروری متناسب با ویژگی های فرهنگی، قومی و بومی جامعه ایران

مراجع

- [1] Grusec, Joan E., and Maayan Davidov, *Socialization in the family, The roles of parents*, In J. E. Grusec & P. D. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization, Theory and research* (pp. 284-308). The Guilford Press., 2007.
- [۲] میلاد نیکوفری امین، "بررسی تأثیر تربیت صحیح والدین بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان"، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان همدان، ۱۴۰۴.
- [۳] فاطمه چنایی؛ فرخنده محمدی؛ درسا علی دخت و مریم اکبری، "بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان"، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۷، شماره ۱، صفحات ۱۲۶۷-۱۲۵۹.
- [4] Baumrind, Diana, *Authoritative parenting revisited: History and current status*, In R. E. Larzelere, A. S. Morris, & A. W. Harrist (Eds.), *Authoritative parenting: Synthesizing nurturance and discipline for optimal child development* (pp. 11-34), American Psychological Association, 2013.
- [5] Maccoby, E. E. "Socialization in the context of the family: Parent-child interaction," *Handbook of child psychology* 4, 1983.
- [6] Fan, Xitao, and Michael Chen. "Parental involvement and students' academic achievement: A meta-analysis." *Educational psychology review*, Vol. 13, No. 1, pp. 1-22, 2001.
- [۷] مهسا افسری و علی زینالی، "تأثیر آموزش مدیریت والدین در کاهش اختلال نافرمانی مقابله ای"، تعلیم و تربیت استثنایی، جلد ۵، شماره ۱۴۰۰، صفحات ۴۷-۵۶.
- [۸] سیده زهرا شفیع پور؛ علی شیخی؛ مهشید میرزایی و احسان کاظم نژاد لیلی، "سبک های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان"

پرستاری و مامایی جامعه‌نگر، دوره ۲۵، شماره ۷۶، ۱۳۹۴، صفحات ۵۶-۴۹.

[9] Bornstein, Marc H., Diane L. Putnick, and Jennifer E. Lansford, "Parenting attributions and attitudes in cross-cultural perspective," *Parenting*, Vol. 11, No. 2-3, pp. 214-237, 2011.

[10] Kochanska, Grazyna, and Nazan Aksan, "Children's conscience and self-regulation," *Journal of personality*, Vol. 74, No. 6, pp. 1587-1618, 2006.

[11] Padilla-Walker, Laura M., Gustavo Carlo, and Madison K. Memmott-Elison, "Longitudinal change in adolescents' prosocial behavior toward strangers, friends, and family," *Journal of research on adolescence*, Vol. 28, No. 3, pp. 698-710, 2018.

[۱۲] نوید حسین‌پور آزاد؛ فرنیاز نصیری روشتی؛ سعیده جودی چلاتسغلی و ریحانه ابراهیمی، "تأثیر سطح اقتصادی والدین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان"، فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، دوره ۱، شماره ۳، ۱۴۰۲، صفحات ۵۵۴-۵۴۵.

[13] Bugental, Daphne Blunt, Randy Corpuz, David A. Beaulieu, J. E. Grusec, and P. D. Hastings, "An evolutionary approach to socialization," *Handbook of socialization: Theory and research*, pp. 325-346, 2015.

[۱۴] جودیت جی اسمتانا و غلامرضا متقی‌فر، "تأثیر والدین بر رشد اخلاقی کودکان: تحلیل مربوط به حیطه اجتماعی"، مجله معرفت، شماره ۵۷، ۱۳۸۱، صفحات ۳۲۵-۳۱۱.